

The Symbolic Reflection of the Culture of Sacrifice and Martyrdom in the Poems of Simin Behbahani

Shakib Davoodi^{*1}, Jahangir Safari², Masoud Foruozandeh³

- 1- Student at the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Chaharmahal and Bakhtiari, Iran.
- 2- Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Chaharmahal and Bakhtiari, Iran.
- 3- Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Chaharmahal and Bakhtiari, Iran.

Article information	ABSTRACT
Article type: Research Paper	One of the most important components of sustainable literature, which has gained a more specific face and appearance, especially in our country, due to the impact of the 8-year period of Sacred Defense, is the component of war and the culture of sacrifice and martyrdom. The concept of war in our country has also created a culture of sacrifice, martyrdom, and martyrdom. In a way, contemporary poets and writers have always addressed this category directly and indirectly in their works. In this research, we aim to answer the question by examining the symbols of war and martyrdom in the poems of one of the most famous contemporary poets, Simin Behbahani: "What is the symbolic approach of this poet in dealing with the concept of war and martyrdom? And what are the most frequently used symbols he uses to explain the aforementioned concepts?" This research was conducted using a descriptive-analytical method. The results of this study show that Simin Behbahani is a contemporary symbolist and sociological poet who has used various symbols with a significant frequency to express the concepts of war and martyrdom. From a statistical perspective, Behbahani has used 31 different symbols with a frequency of 82 repetitions. The most frequently used symbol of this poet in the concept of war and martyrdom is the symbol of blood, which has been repeated 31 times in Simin's poetry, and in terms of the type of symbols used, general and natural symbols are the most frequently used types of symbols by this poet in order to explain the aforementioned concept.
KEYWORDS: Simin Behbahani, Sustainability Literature, Social Symbolism, Symbol, War, and Martyrdom.	
Received: 2025/05/23 Accepted: 2025/06/26	
*Corresponding author: Shakibdavoodi1376@gmail.com	
How to cite this paper: Davoodi, Sh., Safari, J., Foruozandeh, M. (2025). The Symbolic Reflection of the Culture of Sacrifice and Martyrdom in the Poems of Simin Behbahani. Journal of culture and Islamic sciences. 9(5): 185-204.	
DOI: 10.22034/rjcis.2025.15224.1141	

بازتاب نمادین فرهنگ ایثار و شهادت در اشعار سیمین بهبهانی

شکيب داودی^{۱*}، جهانگیر صفری^۲، مسعود فروزنده^۳

۱. دانش آموخته گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، چهارمحال و بختیاری، ایران.

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، چهارمحال و بختیاری، ایران.

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، چهارمحال و بختیاری، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
یکی از مهم ترین مؤلفه های ادبیات پایداری، که به ویژه در کشور ما به تأثیر از دوران ۸ ساله دفاع مقدس، وجهه و جلوه ای خاص تر یافته است، مؤلفه ی جنگ و فرهنگ ایثار و شهادت است. مفهوم جنگ در کشور ما، به تبع خویش فرهنگ جانبازی و ایثار و شهادت را نیز ایجاد کرده است. به نحوی که شاعران و نویسندگان معاصر، به صورت مستقیم و غیرمستقیم همواره در آثار خود به این مقوله پرداخته اند. در این پژوهش بنا داریم با بررسی نمادهای جنگ و شهادت در اشعار یکی از مشهورترین شاعران معاصر، یعنی سیمین بهبهانی به این پرسش پاسخ دهیم که: «رویکرد نمادین این شاعر در مواجهه با مفهوم جنگ و شهادت چگونه است؟ و پرکاربردترین نمادهای مورد استفاده او در راستای تبیین مفاهیم مذکور کدامند؟» این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که سیمین بهبهانی از شاعران نمادگرا و جامعه گرای معاصر است که با بسامد چشم گیری از نمادهای گوناگون برای بیان مفاهیم جنگ و شهادت بهره یافته است. در دیدگاهی آماری، بهبهانی از ۳۱ نماد گوناگون با بسامد ۸۲ مرتبه تکرار بهره یافته است. پرکاربردترین نماد این شاعر در مفهوم جنگ و شهادت، نماد خون است که ۳۱ بار در شعر سیمین تکرار شده است و از نظر نوع نمادهای مورد استفاده، نمادهای عمومی و طبیعی، پرکاربردترین نوع نمادهای این شاعر در راستای تبیین مفهوم مذکور می باشد.	نوع مقاله: علمی پژوهشی
	واژگان کلیدی: سیمین بهبهانی، ادبیات پایداری، سمبولیسم اجتماعی، نماد، جنگ و شهادت.
	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵
	* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Shakibdavoodi1376@gmail.com
	ارجاع: داوودی، ش.، صفری، ج.، فروزنده، م.، ۱۴۰۴، بازتاب نمادین فرهنگ ایثار و شهادت در اشعار سیمین بهبهانی، پژوهش نامه فرهنگ و معارف دینی، ۹(۵)، ۱۸۵-۲۰۴.

۱. مقدمه

ادبیات پایداری یکی از مضامین ادبی است که اگرچه از دیرباز مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده است و رگه‌هایی از آن در آثارشان هویداست، اما در ایران به‌ویژه از عصر مشروطه به عنوان مضمونی ادبی پا به عرصه ظهور می‌گذارد. پایداری در لغت به معنای ایستادگی، مقاومت، پایداری، مدارا و تحمل و ثبات و دوام است. علیرغم آنکه به نظر می‌رسد تعریفی دقیق و جامع و مانع از ادبیات پایداری به طور اخص در یک پژوهش به دست نیامده است؛ اما ارائه تعریفی دقیق جامع و مانع از ادبیات پایداری از چند جهت واجد اهمیت است. نخست اینکه مؤلفه‌ها و مقولات اصلی هر پدیده‌ای از جمله ادبیات مقاومت در تعریف آن مندرج است فلذا برای بازشناسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری لازم است که این مفهوم به روشنی تعریف شود. نکته مهم دیگر در این خصوص تشتت در تعاریف ادبیات پایداری به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های ادبیات پایداری است که منشاء بسیاری از خلط مبحث‌ها و سوء تفاهات در میان پژوهشگران این حوزه شده است (چهرقانی، ۱۳۹۶: ۷). بنابراین به گوشه‌ای از تعاریفی که در مقدمه پژوهش‌های این حوزه ارائه شده است اشاره خواهیم کرد. منصور رستگار فسایی از ادبیات پایداری چنین تعریفی دارد: «ادبیات پایداری بازتاب سلحشوری پایداری و تحرک دلاورانه جوانان معاصر ایرانی در حفاظت از مرز و بوم سرزمین نیاکان خویش است که در این راستا با باورهای اسلامی و عقاید استوار شیعی آنان همراه گشته است» (رستگار فسایی، ۱۳۷۲۰: ۳۹۰).

البته به نظر می‌رسد این تعریف از جامعیت کافی برای مفهوم ادبیات پایداری برخوردار نیست و بیشتر ناظر و معطوف بر جنگ ایران و عراق و ادبیات مقاومت در ایران است. در این تعریف ادبیات پایداری جنبه توصیفی دارد؛ اما با در نظر گرفتن این نکته که توصیف سلحشوری‌ها و پایداری‌ها می‌تواند برای پایداری انگیزه ایجاد کند می‌توان آن را دارای جنبه کاربردی هم دانست (جهانگرد، ۱۳۹۵: ۶۴). در تعریفی دیگر ادبیات پایداری این گونه بیان شده است: ادبیات پایداری به شعرها، داستان‌ها، نمایش‌ها، سرودها، ترانه‌ها و تصنیف‌هایی گفته می‌شود که در دوران خاصی از تاریخ ملتی یا قومی به وجود می‌آید و هدف آن ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در مردم است. معمولاً این نوع آثار در دوره خاصی به وجود می‌آیند و اگر هنرمندانه پرداخته شوند از حیطه‌ی تنگ ادبیات قومی و ملی بیرون می‌آیند و به صورت شاهکارهای ادبیات ماندگار می‌شوند. ادبیات مقاومت معمولاً به توصیف دلاوری‌ها و جدال‌ها و از خودگذشتگی‌هایی می‌پردازد که ملتی یا قومی بر ضد ملتی یا قومی دیگر که اغلب اشغالگر یا متجاوز است از خود نشان می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۶). جمال میرصادقی در این تعریف با نگاهی توصیفی و کاربردی تعریفی آسیب‌شناسانه از ادبیات پایداری ارائه می‌دهد و درواقع آن را وابسته به شرایط و اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی و محدود به تنگنای ادبیات قومی و ملی هر جامعه معرفی می‌کند.

ادبیات پایداری از نظر ایدئولوژیک و ویژگی‌های فکری محتوایی این گونه تعریف شده است: «ادبیات پایداری ادبیات ستیهندگی و عشق است. ادبیات توفنده و پرتلاطمی که آلودگی به یأس و سکون را نمی‌پذیرد و بسان روح پیوسته در کالبد خمود ادبیات هر عصر دمیده می‌شود. درواقع این گونه ادبی در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت‌ها و تدافع جوامع سلطه‌ناپذیر همواره به مثابه ابزار و سلاحی بازدارنده رخ نموده و موجبات احیاء، تداوم و

بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است (بصیری، ۱۳۸۷: ۹۱).

اما محمدرضا سنگری ادبیات پایداری را در پژوهشی با همین عنوان این گونه معرفی می‌کند: «عنوان ادبیات پایداری معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرند. بنابراین جان‌مایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است» (سنگری، ۱۳۸۳: ۱) که به نظر می‌رسد همین تعریف نسبت به سایر تعاریف از جامعیت بیشتری برخوردار است. ادبیات مقاومت در تعریفی دیگر این گونه معرفی می‌شود: ادبیات مقاومت بازتاب برخی دردهای مشترک میان تمام جوامع بشری است که برخی دردهای مشترک میان شاعران به عنوان وجدان آگاه جامعه آنها را فریاد می‌زنند و یادکردشان جوشش ضمیر شاعران را به مضمونی مشترک بدل می‌کند (کافی، ۱۳۸۷: ۳۸۹) و در تعریفی موسع ادبیات پایداری و مقاومت این گونه بیان شده است: در سطح بسیار وسیع متعلق اعتراض جهان مادی و طبیعت است. از این منظر هنر و ادبیات فی حد ذاته نوعی مقاومت در برابر نقص واقعیت و طبیعت تلقی می‌شود کما اینکه برادسکی می‌گوید: «هنر شکلی از مقاومت در برابر نقص واقعیت است» (برادسکی ۱۳۷۳: ۵۵). بنابراین طرز تلقی هنر و در رأس آن شعر تنها توصیف محاکات یا تقلید از طبیعت نیست. هنر نوعی عصیان در برابر واقعیت موجود و بازآفریدن حقیقت مفقود است» (چهرقانی: ۸).

در نهایت اگر بخواهیم باتوجه به تعاریف فوق تعریفی دقیق‌تر از ادبیات پایداری ارائه دهیم، باید گفت: ادبیات پایداری شاخه‌ای از ادبیات است که طی آن آثاری حاوی تعهد و التزام شاعران و نویسندگان و ایستادگی‌ها و پایداری‌های یک ملت و جامعه در برابر شرایط سیاسی اجتماعی خود، که عموماً شامل وقایعی چون جنگ استبداد، استعمار، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌ستیزی و قانون‌گریزی، غصب قدرت و سرمایه‌ها و... است، به وجود می‌آید و با بیان دردهای مشترک اجتماعی انسان مخاطبان خویش را در تمام جوامع به پایداری در برابر چنین عواملی دعوت می‌نماید.

۱.۱. بیان مسئله

بیان صریح موضوع اغلب از لذت شعر و شاعرانگی آن برای مخاطب می‌کاهد. حال اگر آن موضوع اسرار عرفانی یا دل‌گرفتگی‌های عاشقانه و به‌خصوص انتقادات و ایستادگی‌های اجتماعی سیاسی باشد ممکن است از لذت و رغبت بیان آن برای شاعر نیز کاسته شود. به همین سبب در دوره‌ی معاصر و به تأثیر از مکتب سمبولیسم اروپایی جریان شعری نمادگرایی اجتماعی به راه افتاد. از طرفی ادبیات پایداری از نظر اجتماعی سیاسی اهداف و رویکردهایی مانند جریان نمادگرایی اجتماعی دارد. هرچند باید ادبیات پایداری را گونه‌ای از انواع ادبی دانست اما از طرفی به سبب ارتباط تنگاتنگ این نوع ادبی با شرایط و اوضاع اجتماعی و خفقان‌های سیاسی و جهل و ناآگاهی‌های عمومی و همچنین از طرف دیگر، ویژگی در پرده رمز و ابهام گفتن و پرداختن به انتقادات و اعتراضات و آرمان‌ها و عقاید، پوشیده از شر دشمنان و حاکمان ظالم و مردم جاهل و...، جامعه کمتر اجازه‌ی

ظهور این گونه‌ی ادبی را داده و ناچار در لایه‌ی زیرین انواع ادبی دیگر مانده است (قلی‌پوری و همکاران ۱۴۰۰: ۴). بنابراین شاعران و نویسندگانی که مفاهیم اجتماعی و مؤلفه‌های ادبیات پایداری را در اشعار خود جای داده‌اند، گاه نه با بیانی صریح، بلکه با استفاده از نمادهای گوناگون مفاهیم و ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی و سیاسی خود را منتقل کرده‌اند. پس در ادب معاصر، علاوه بر نمادهای عرفانی و حماسی گذشته، با مفهومی تازه از نمادها، یعنی «نمادهای پایداری» مواجه هستیم. اگرچه نگارنده در آینده نزدیک سعی بر انجام پژوهش‌ها و تحقیقات بیشتری درخصوص نمادهای پایداری دارد، اما در ادامه‌ی این پژوهش اختصاصاً به بررسی نمادهای جنگ و شهادت و ادبیات دفاع مقدس در اشعار یکی از سرشناس‌ترین شاعران معاصر یعنی سیمین بهبهانی خواهیم پرداخت.

۲.۱. پیشینه پژوهش

پیش از این پژوهش‌های بسیاری در زمینه‌ی بررسی و تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار سیمین بهبهانی صورت گرفته است. برای نمونه مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار سیمین بهبهانی»، اثر ابراهیم ابراهیم‌تبار که در سال ۱۳۹۶ در شماره ۱۶ نشریه ادبیات پایداری منتشر شده است یا مقاله‌ی دیگری تحت عنوان «بازتاب جنگ تحمیلی ایران و عراق و جریان‌های سیاسی در اشعار سیمین بهبهانی»، اثر مشترک مسعود روحانی و زهرا محمدپور که در سال ۱۳۹۷ در دومین کنگره بین‌المللی علوم و مهندسی به انتشار رسیده است. اما روی هم رفته، تاکنون هیچ پژوهشی با موضوع نمادپردازی در اشعار دفاع مقدس سیمین بهبهانی صورت نگرفته و این رویکرد آماری به نمادگرایی شاعر مذکور و آن‌هم به‌ویژه در راستای پرداختن به مفاهیم جنگ و شهادت، تازه به نظر است. بنابراین موضوع «بررسی نمادهای جنگ و شهادت در آثار سیمین بهبهانی»، موضوعی تازه به نظر می‌رسد.

۳.۱. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای، توصیفی تحلیلی و با مطالعه‌ی مجموعه‌ی اشعار یکی از سرشناس‌ترین شاعران معاصر، یعنی سیمین بهبهانی، صورت گرفته است. در این پژوهش با بررسی موردی اشعار این شاعر مشهور معاصر، رویکرد نمادین او را نسبت به مؤلفه‌ی جنگ و شهادت تعیین نموده و مصادیق و ابیات گوناگونی که حاوی نمادهای جنگ و شهادت در اشعار سیمین بوده است را در معرض دید خوانندگان قرار داده‌ایم.

۲. بحث و بررسی

۱.۲. مؤلفه‌های ادبیات پایداری

مؤلفه‌های ادبیات پایداری از آغاز تا کنون بارها و بارها مورد تغییر و گسترش و کاهش قرار گرفته‌اند و می‌توان رابطه و تناسب مستقیمی میان کمیت این مؤلفه‌ها در ادوار مختلف تاریخ، با رواج این گونه‌ی ادبی در یک دوره‌ی تاریخی قائل شد. به نحوی که هرچه ادبیات پایداری در یک دوره بیشتر رواج یافته، مؤلفه‌های آن نیز در آن دوره بیشتر و وسیع‌تر شده‌است و هرچه در یک دوره کمتر به ادب پایداری توجه یا نیاز بوده است، طبیعتاً مؤلفه‌های آن نیز کاهش یافته است. با این توضیح که برخی از مؤلفه‌های پایداری، به طور فطری و ذاتی در تمام جوامع بشری

درهمه‌ی ادوار موجود بوده است و فقط گاه کم‌رنگ یا پررنگ‌تر می‌شوند، برخی از مؤلفه‌ها وجود داشته و در دوره‌ای متناسب با ارزش‌های جامعه حذف شده یا تغییر می‌کنند و برخی از مؤلفه‌ها یا محدود بوده و گسترش یافته‌اند یا کلاً پیش از یک دوره‌ی خاص وجود نداشته و از آن به بعد به وجود آمده‌اند. بنابراین در ادوار تاریخی مختلف، مؤلفه‌های مختلفی می‌توان برای ادب پایداری فرض کرد.

برای مثال: «مؤلفه‌های اصلی ادبیات پایداری در شاهنامه و اشعار ناصر خسرو، خردگرایی و بیگانه‌ستیزی با تکیه بر عنصر زبان و عناصر هویت ملی و اندیشه‌های شیعی است» (صفری و ظاهری، ۱۳۹۴) و در شعر حافظ خرافه‌ستیزی، نقد ریا و تزویر، انتقاد از فساد و ظلم حکام و... مؤلفه‌ی پایداری است. در دوران مشروطه مؤلفه‌هایی مثل استبدادستیزی، استعمارگریزی، آزادی‌خواهی، تجددگرایی و... ایجاد شده، و مؤلفه‌هایی مثل وطن‌پرستی، بیگانه‌ستیزی، ظلم‌ستیزی، نقد فساد و... گسترش و توسعه می‌یابند. در دوره‌ی دفاع مقدس نیز با مؤلفه‌هایی مثل جنگ، شهادت، ایثار، دین‌مداری، و هم‌چنان وطن‌پرستی و بیگانه‌ستیزی مواجه هستیم.

«بررسی مؤلفه‌های پایداری و رصد آن در آثار ادبی، یکی از رایج‌ترین شیوه‌های تحقیق در ادبیات پایداری به حساب می‌آید» (کافی، ۱۴۰۰: ۵). از آنجا که مقوله‌ی ادبیات دفاع مقدس یکی از مهم‌ترین مقوله‌های ادبیات پایداری است در ادامه این پژوهش سعی داریم با بیان تعریف و شرحی کوتاه از این مؤلفه پایداری، به بررسی و تحلیل مصادیق نمادهای جنگ و شهادت در شعر دفاع مقدس سیمین بهبهانی بپردازیم.

۱.۱.۲. مؤلفه‌ی جنگ و شهادت

یکی از مؤلفه‌های مهم ادبیات پایداری، که به ویژه در کشور ما به تأثیر از دوران ۸ سال دفاع مقدس، وجهه و جلوه‌ای خاص‌تر یافته است، مؤلفه‌ی جنگ است. جنگ و پرهیز از آن همواره یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع بشری بوده است. این مفهوم در فرهنگ ایرانی نیز جایگاه خاص خود را دارد و شاعران و اندیشمندان کشورمان، چه گذشتگان در برابر جنگ‌های تاریخی و چه معاصران در برابر جنگ تحمیلی رژیم بعثی، در آثار خود به آن پرداخته‌اند.

مفهوم جنگ در کشور ما، فرهنگ جانبازی و ایثار و شهادت را نیز به تبع خود ایجاد و رایج کرده است. به نحوی که رویکرد شاعران در رابطه با این مقوله، یا به صورت نکوهش جنگ و آفات و تبعات زیان‌بار آن، یا از سویی دیگر به شکل ستایش از روحیه جهاد و ایثار و شهادت بوده است. این مضمون گاه به شکلی صریح و مستقیم در شعر شاعران معاصر جلوه گر شده است و گاه آنان با استفاده از سمبل‌های گوناگون نظر و احساس خود را از مفهوم جنگ، و رشادت‌ها و شجاعت‌های رزمندگان، جانبازان، اسرا و شهیدان میهن‌مان بیان کرده‌اند. در ادامه‌ی این بخش سمبل‌های جنگ و شهادت را در اشعار یکی از سرشناس‌ترین شاعران معاصر، یعنی سیمین بهبهانی مفصلاً مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد.

۲.۲. سمبل‌های جنگ و شهادت در اشعار سیمین بهبهانی

مقابله با دشمن متجاوز خارجی، و مفاهیم جنگ، شهادت و ایثار، همواره مورد توجه ویژه‌ی سیمین بهبهانی بوده است. به حدی که با صراحت و مستقیماً می‌گوید:

«زان روز که عالم را، در خون و جنون دیدم/ پرهیختن از جنگم، سرلوحه‌ی فرهنگ است» (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۰۵)؛ یا: «ما نمی‌خواستیم اما هست/ جنگ این دوزخ، این شررزا هست» (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۱۳).

او گاه به مفهوم جنگ و پرهیز از آن و دفاع از میهن در مقابل متخاصمان و متجاوزان و گاه نیز به تمجید از رشادت و شجاعت مردان جبهه‌های ۸ سال دفاع مقدس و شهدا و جانبازان و رزمندگان این دوران می‌پردازد و در این راستا گاه مانند نمونه‌های بالا بیانی مستقیم را مورد استفاده قرار می‌دهد و گاه مانند دیگر معاصرانش و حتی شاید ناخودآگاه از سمبل‌های گوناگونی که به مفاهیم جنگ، ایثار و شهادت دلالت دارند، بهره برده است. از سوی دیگر هوشنگ ابتهاج نیز، در اشعار خود علاوه بر مفاهیم آزادی و ظلم و پایداری در برابر دشمن داخلی، به مؤلفه‌ی جنگ و پایداری در برابر دشمن خارجی نیز پرداخته است. این شاعر دغدغه‌مند اگرچه ظاهراً در ایام دفاع مقدس در خارج از کشور سکونت داشته است، اما فارغ از حدود جغرافیایی، درد مشترک میهن و مردمش را حس کرده است و به آن پرداخته است. البته در شعر شاعرانی چون او، که بیشتر اشعارشان در ایام قبل از انقلاب سروده شده است، مفهوم شهادت اغلب به شهیدان راه انقلاب و آزادی ملت بازمی‌گردد، اما با این همه، او بی‌توجه به دفاع مقدس و شهدا و جانبازان این واقعه بزرگ پایداری هم نیست و گاه به صراحت و گاهی به واسطه سمبل‌گرایی، مقوله‌ی جنگ و شهادت را در اشعار خویش به کار برده است. در ادامه مفصلاً سمبل‌های شعر سیمین در راستای تبیین مفاهیم جنگ و شهادت را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

خون

در ادبیات معاصر به ویژه ادبیات دفاع مقدس که در ادامه حماسه‌ی ۸ ساله دفاع مقدس پدید آمد، خون‌های زیادی تقدیم شد و بزرگمردانی به شهادت و جانبازی رسیدند تا ذره‌ای از خاک وطن را دست دشمن نسپارند. بر همین اساس خون‌بهای دوجندان و معنایی عمیق می‌یابد. واژه خون در کارکردی نمادین در شعر دفاع مقدس به کار برده می‌شود و به عنوان یکی از پرکاربردترین نمادهای دفاع مقدس شناخته می‌شود. خون سمبلی توسیعی، عمومی و طبیعی (در خصوص دسته‌بندی‌های صورت گرفته از انواع نماد در این پژوهش، ر.ک: داودی و دیگران، ۱۴۰۳، پیشنهادی بر دسته‌بندی انواع سمبل) است که در مفهوم شهادت به کار رفته است. این سمبل در اشعار سیمین بهبهانی ۳۱ بار تکرار شده است.

سرخ است ازین پس، چون خون جوانان هر سبزه که روید، بر جوی کرانه (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۵۹۲)

شمشاد گلگون است، رویده در خون است در هیچ باغ اینسان، سرو و صنوبر نیست (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۵۹۳)

سیمین شهادی دفاع مقدس را شمشادها و درختان پرشکوفه و گلگونی می‌داند که در خون می‌رویند. چنانچه در بیت بالا می‌بینید باغ نماد میهن است و سیمین در نگاهی حماسی معتقد است که هیچ کشور و جامعه‌ای چنین شهادتی نداشته است و آنان را با این حجم از ایثار و رشادت تقدیم خاک خود ننموده است.

وه چه باغ است این؟ درد و داغ است این: سوسنخ خونین، ارغوانش نیز (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۵۹۷)

او باغ داغ دیده و جنگ‌زده‌ی ایران را بار دیگر غرق در خون سوسن‌ها و ارغوان‌ها تصویر می‌کند. گل‌ها به طور

کلی و چنانچه در ادامه هم خواهد آمد نماد شهدا هستند. اما سیمین در بعضی از ابیات خود نیز، از نماد خون به تخصیص در مفهوم جنگ بهره می‌برد و می‌گوید:

زان روز که عالم را، در خون و جنون دیدم پرهیختن از جنگم، سرلوحه‌ی فرهنگ است (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۰۵)
او همواره از واقعه جنگ بیزاری جسته و در این بیت نیز آن را خون و جنون می‌پندارد و از نماد خون نه تنها در مفهوم شهادت، بلکه در اشاره به مفهوم خود جنگ نیز بهره می‌یابد.
تطهیر به آبش کن، خوشبو به گلابش کن با خون نتوانی شست، آن را که ز خون رنگ است (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۰۶)

این کارکرد دوگانه‌ی نماد خون در شعر او را می‌توان به خوبی در بیت بالا مشاهده کرد. بدین توضیح که سیمین در این بیت ابتدا در پاسداشت مقام شهادت از مردمان خویش می‌خواهد که تن مقدس شهید را به آب و گلاب تطهیر کنند، چرا که اثر و رنگ فرهنگ شهادت را با خون که در اینجا نمادی از خونخواری و خاصه جنگ تحمیلی است، نمی‌توان شست. در نتیجه می‌توان گفت خون اول در مفهوم جنگ و خون دوم در مفهوم شهادت به کار رفته است تا این کارکرد نمادین واژه خون در ادب دفاع مقدس به‌ویژه شعر سیمین را هر چه بهتر دریابیم.
گفتی که: گل نکنیمش، نوشد کبوتر اگر آب

بگذار قصه که این جا، سیلاب خون و خدنگ است (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۰۸)

سیمین در این شعر در پاسخ «آب را گل نکنیم» سهراب، به شرح واقعه‌ی جنگ تحمیلی و ابراز احساس اسف‌بار خویش از این پدیده خانمان‌سوز به یار شاعر و دیرینه‌اش می‌پردازد و در کارکردی نمادین واژه خون را در این بیت نیز در مفهوم جنگ به کار می‌برد. جنگی که مانند سیلاب در این باغ جاری شده و در حال نابودگری و ظلم است.

چه خون و چه خونی! رسالت جاری به سرخیِ مرجان، روانه چو رود است (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۳۲)
در این بیت نیز مقصود سیمین از آنچه در جامعه آن روزهای او جاری است فقط خود خون نیست، بلکه مفهوم نمادین آن یعنی شهادت است. او همانگونه که خود می‌گوید، رسالت جاری به واسطه خون را ارج می‌نهد و نه صرفاً خود خون را. و همانا آن رسالت جاری که فرهنگ ایثار و شهادت را در جامعه‌ی ایرانی رایج و ته‌نشین ساخته بود، شهادت است.

باید... باید... بلی، خون و مرگ و شرف؛ چونان آنان، ولی در من یارا کجا؟ (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۷۱۶)
سیمین همچنین در این بیت نیز به جای جنگ از نماد خون بهره می‌یابد و این واقعه را دفاع بایسته‌ای می‌داند که در راستای تحقق و صیانت از شرافت ایرانی رقم خورد و شاید جز آن بزرگمردان در توان هیچکس دیگر نباشد.

کفن

یکی دیگر از نمادهای ادبیات دفاع مقدس نماد کفن است. کفن به سبب دلالت فرهنگی که به مفهوم مرگ دارد سمبل عمومی و مصنوع از شهادت و شهادت طلبی و جان بر کفی است. در همین راستا است که در قیام‌های مهم

تاریخ پر افت و خیز ایران، گاه مردم آزادی‌خواه و استوار ایران کفن بر تن به میدان مبارزه و پایداری در برابر دشمن خود و میهن‌شان حاضر شده‌اند. این نماد فرهنگی تنها همین ۱ بار در بیت زیر توسط سیمین در مفهوم شهادت به کار رفته است.

حریر نوعروسان را، بر آن شدم که بفرستم میان فتنه خونین شد؛ مگر کفن فرستادم (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۱۱۰۸) داغ

واژه داغ را در معنای سوز سوزان و مترادف غم و عزا پنداشته‌اند. اما این واژه در تاریخ معاصر کاربرد بیشتری می‌یابد. رسم داغ‌نهادن یکی از اسباب دلالت نمادین این واژه است. از طرفی دیگر لاله را به سبب داشتن نقطه‌های سفیدی که در دل خود دارد، و آن‌ها را داغ می‌نامیم، نماد شهادت دانسته‌ایم. بنابراین شهادت به همراه خود داغ دارد و این داغ گاه به جای شهادت و به عنوان نمادی از آن به کار رفته است. داغ سمبلی توسیعی از شهادت است که ۲ بار در اشعار سیمین تکرار شده است.

در خاطرم، ای شهر، اما با هر چراغی هست داغی آن حجله را با شهیدان از یاد من کی می‌زدایی؟ (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۸۸۵)

نمانده انجیر و زیتون، نمانده جز داغ و جز خون بهشت هرگز نگنجد، به دوزخی جاودانی (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۹۷۶)

خورشید

خورشید یکی از پرکاربردترین نمادهای ادبیات دفاع مقدس است. این نماد نه تنها در ادب دفاع مقدس، بلکه در ادب عاشورایی و به طور کلی ادبیات پایداری کاربرد و گستره مفهومی فراوان دارد. خورشید در ادب پایداری، نماد نور آزادی و پیروزی است. نماد راهنمایی و راهگشایی است و گاه نماد آزادی‌خواهان و مبارزان این راه. شهدا نیز مصداق واقعی و کمال‌یافته‌ی آزادی‌خواهان‌اند که سید و سرور آن‌ها حضرت امام حسین (ع) است. بنابراین خورشید در ادب عاشورایی نیز نماد امام حسین است. از طرف دیگر واقعه‌ی سوزناک عاشورا و شهادت مظلومانه امام حسین (ع) و یاران باوفایشان در صحرای کربلا، ایشان را به عنوان نماد ایثار و شهادت نه تنها در فرهنگ اسلامی و ایرانی بلکه در میان فرهنگ بشری معرفی داشته است. بنابراین خورشید یک‌بار به سبب تلقی به مفهوم آزادی و آزادی‌خواهی و یک‌بار به سبب مفهوم خود در ادب عاشورایی و دلالت بر سید الشهداء (ع)، نماد ایثار و شهادت است. در ادبیات دفاع مقدس نیز به همین سبب خورشید را نماد شهدا دانسته‌اند. این سمبل طبیعی توسیعی از شهادت ۱ بار در بیت زیر سیمین به کار رفته است.

این محمل با خود دارد، خورشید در خون غلتان زخمش را مرهم زبید، دردش را درمان باید (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۷۲۳).

ستاره و اختر

ستاره و اختر نیز از سمبل‌های عمومی و طبیعی در مفهوم شهادت هستند. از پرکاربردترین نمادها در مفهوم آزادی

می‌توان به نماد آسمان و نور اشاره کرد. خود نماد ستاره نیز گاه در مفهوم آزادی و بیشتر در معنای آزادی‌خواهی به کار رفته است. بنابراین اگر آزادی را آسمان بپنداریم، «به تبع نماد آسمان در مفهوم آزادی»، ستارگان این آسمان را باید شهدا و آزادی‌خواهانی دانست که خون پاک خود را نوربخش آن داشته‌اند. نماد ستاره و اختر هرکدام ۱ بار در شعر سیمین به کار رفته‌اند و به مفهوم شهادت دلالت دارند.

ستاره‌های روشن را، چنان شتاب کارون برد

که نی ازاین غمین تر شب، که نی ازاین سیه‌تر خاک (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۲۰)

حیف! اختران که فرو مردند، سر به خاک و خاره فرو بردند

هیچ شعله را پس خاموشی، عمر باز داده نمی‌بینم (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۱۱۰۷)

شراره

آتش و شراره اغلب نماد آزادی هستند. اما این نمادها گاه در مفهوم جنگ نیز به کار رفته‌اند. اما از آنجایی که شب و تاریکی و سیاهی نماد جنگ و ظلم هستند (ر.ک: داودی و دیگران، ۱۴۰۳: جلوه نمادین ظلم و خفقان در اشعار هوشنگ ابتهاج) آتش و شراره و هرآنچه که نورانی و روشنایی بخش باشد، گاه در مفهوم آزادی یا آزادی‌خواهی یا حتی شهدای راه آزادی نیز به کار رفته‌اند. مانند این بیت سیمین بهبهانی که در آن شراره سمبل عمومی و طبیعی از شهدا است.

شراره‌های هستی را، چنان به کین فرو کشتند که روی تل خاکستر، کنون گرفته بستر، خاک (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۲۰)

آتش

چنانچه پیش‌تر گفته شد، آتش از سمبل‌های چندوجهی شعر معاصر فارسی و به ویژه ادبیات پایداری است که هم در مفهوم آزادی، هم در مفهوم ظلم و هم در مفهوم جنگ کاربرد دارد. این سمبل عمومی و طبیعی، مجموعاً در اشعار سیمین ۸ بار در مفهوم جنگ آمده است.

ز گدازه‌های آتش، شب و روز در کشاکش چو خیال من مشوش شده ذهن آسمانم (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۲۱)

سیمین دهن آسمان میهنش را مشوش از گدازه‌های آتش جنگ می‌داند. آتشی که شبانه روز بر سر شهرهای کشورش می‌بارد و بیوقفه در حال غارت و نابودی و کشتار است.

کجا برم خوشه‌ها را، که بوی خون، هرم آتش نسوزد ساقه‌ی تر، نپژمرد دانه با او؟ (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۷۳۱)

او هرم آتش سوزناک جنگ را نابودگر ساقه‌های تر امید می‌داند و در پی پاسخ این سؤال است که باید از این عذاب و بلای خانمان‌سوز به کجا پناه ببرد.

خاکستر

به تبع نمادهایی چون آتش و شراره و شعله، خاکستر نیز سمبلی طبیعی و توسیعی در مفهوم جنگ است که ۱ بار در بیت زیر سیمین در همین مفهوم استفاده شده است.

شراره‌های هستی را، چنان به کین فرو کشتند که روی تل خاکستر، کنون گرفته بستر، خاک (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۲۰) در این بیت واژه‌های شراره و خاک، هردو به مفهوم شهید دلالت دارد. این شراره‌ها چنان به کین فرو کشته شدند که امروز خاک، که مقصود تن خاکی شهداست، بر تلی از خاکستر که مقصود از آن جنگ است، بستر گرفته است. نماد خاکستر را به سبب همین ترکیب تل خاکستر که در معنای مقصود، به حجم جنگ اشاره دارد، می‌توان بر مبنای علاقه جزء و کل، نمادی مجازی از جنگ نیز دانست. درخصوص انواع نمادهای مورد اشاره در این پژوهش، چنانکه پیشتر اشاره شد، نگارنده پژوهشی مستقل ارائه نموده است که مطابق آن دلالت نمادین یک واژه نه تنها بر مبنای مشابَهت و استعاره، بلکه می‌تواند بر پایه یکی از چهار مبنای، تشبیه، تلمیح، مجاز، و کنایه صورت پذیرد (ر.ک: داودی و دیگران، ۱۴۰۳: پیشنهادی بر دسته بندی انواع سمبل).

دوزخ

شدت بلا و فجایع و حرارت آتش جنگ را در آن روزها، حتی عامه مردم و رزمندگان نیز به جهنم و دوزخ تشبیه می‌کردند؛ پس کاربرد این تعبیر نمادین از ذهن شاعران و ادیبان حوزه دفاع مقدس نیز بعید نیست. دوزخ سمبلی عمومی و تشبیهی از جنگ است که ۲ بار توسط سیمین تکرار شده است.

ای از بهشت گفته خبر! دوزخ چه می‌نهی ز شرر؟ در خان و مان اهل جهان، آتش چگونه می‌فکنی؟ (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۹۴۹)

نمانده انجیر و زیتون، نمانده جز داغ و جز خون بهشت هرگز ننگند، به دوزخی جاودانی (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۹۷۶)

خدنگ

خدنگ نیز سمبلی مصنوع از جنگ است. این سمبل فقط ۱ بار در بیت زیر توسط سیمین استفاده شده است. گفتی که: گل نکنیمش، نوشد کبوتر اگر آب بگذار قصه که این‌جا، سیلاب خون و خدنگ است (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۰۸)

سیمین حال و اوضاع میهن جنگ زده‌اش را بسیار وخیم‌تر از قصه آب را گل نکنیم سهراب می‌بیند و جنگ را سیلابی از خون و خدنگ می‌داند که در حال نابودی و کشتار مردمان ستم‌دیده ایران است.

باد

باد از سمبل‌های چندمفهومی شعر اجتماعی معاصر است. این سمبل طبیعی گاه در مفهوم آزادی و آزادی‌بخشی، گاه در معنای ظلم و غارتگری و گاه نیز در معنای جنگ به کار رفته است. نماد باد در مفهوم جنگ ۱ بار در نمونه زیر توسط سیمین بهبهانی مورد استفاده قرار گرفته است.

عروس و داماد بود، که باد توفید سخت: درخت از پا فتاد، شکوفه بر باد شد (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۷۱۳)

شکوفه نماد آزادی و درخت نماد میهن است. سیمین جنگ تحمیلی را باد بلاخیزی می‌داند، که پایان‌دهنده شادی‌ها و آرامش جامعه و مردم و غارتگر شکوفه‌ی آزادی و از پا درآورنده‌ی درخت کهن ایران زمین است. او با این کاربرد نمادین واژه باد سعی بر بیان پیامدهای فجیع واقعه‌ی سهمگین جنگ تحمیلی در سطح و عمق جامعه ایران دارد.

سیل

توضیحات باد درمورد سمبل سیل نیز جاری است. این سمبل هم در مفهوم آزادی، ظلم و جنگ کاربرد دارد و نمادی طبیعی و توسیعی است. نماد سیل در مفهوم جنگ ۲ بار در شعر سیمین تکرار شده است. ز جوشش خون چه سود؟ نه چشمه نه سیل بود: نه خانه ویران ازو، نه دشت آباد شد (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۷۱۴) بین که خون و وحشت، عجین به چرک و عفونت به هر کلانشهر عالم، چگونه سیلی روان کرد (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۱۱۲۸)

سیل در ابیات بالا چنان که مشهود است، به مفهوم جنگ دلالت دارد. سیمین جنگ تحمیلی را سیلی فجیع می‌داند که خون و وحشت و چرک و عفونت را به هر کلانشهر عالم روان کرده است و خانه‌ها را ویران و دشت‌ها را خون آلود داشته است.

رود

نماد رود اغلب در ادبیات پایداری نمادی سعد و مثبت است. دلالت مفهومی این نماد بیشتر به مقوله‌ی آزادی و انقلاب است و شاید این دلالت به خاطر مشابهت به حرکت و جنب و جوش جریان‌های مردمی در چنین وقایعی باشد. اما به هر روی سیمین بهبهانی در کارکردی بلاغی و زیبا و باتوجه به عناصر فرهنگ و ادب عامیانه به خصوص در مناطق جنوب و غرب کشور، که اتفاقاً در سال‌های ۸ سال دفاع مقدس زیر آتش مستقیم جنگ قرار داشتند، نماد رود را در مفهوم شهادت به کار می‌برد. واژه رود علاوه بر مفهوم عادی خود (رودخانه) در گویش‌های جنوب و غرب کشور و حتی بخش‌هایی از مرکز چون گویش بختیاری، به معنای عزیز به کار می‌رود. زنان و مادران این مناطق پسران و عزیزانشان را با این لقب خطاب می‌کنند و در نوحه‌سرایی و عزاداری آنان با فریاد زدن مداوم این لقب، به سوگواری می‌پردازند. از این جهت رود رود کردن، کنایه‌ای است از عزاداری و سوگواری. شاعران متفکر و تیزبین معاصر چون سیمین بهبهانی با اطلاع از این کارکرد واژه رود در فرهنگ عامه، در مواجهه با سوگواری مادران شهیدان ایام دفاع مقدس، به بازی زبانی با این واژه پرداخته‌اند و در نتیجه آن را به عنوان نماد شهادت مورد استفاده قرار داده‌اند. این سمبل در شعر سیمین ۱ بار به کار رفته است.

این نه رود کارون، اشک مادران است بهر رود رفته، روز و شب چکیده‌ست (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۷۰۸)

غنچه

غنچه که یکی از پرکاربردترین نمادهای ادب پایداری است، در ادبیات دفاع مقدس نیز کاربرد فراوان دارد. علاوه

بر دلالت نمادین این واژه به مفاهیم آزادی و رهایی، این نماد در مفهوم شهید نیز بارها مورد استفاده شاعران معاصر قرار گرفته است. غنچه که سمبلی عمومی و طبیعی از شهداست ۲ بار هم توسط سیمین به کار رفته است. غنچه‌ها خم کرده سر افسوده تن، بر شاخه‌ها تا چه کس این نازنینان را به دار آویخته (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۴۳۷) به عرش، غنچه‌ی خونین، بریده رگ ازو گلچین خدا نگاه کن چونین، دل وطن فرستادم! (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۱۱۰۸)

شکوفه

مانند نماد غنچه، شکوفه نیز از دیگر نمادهای گیاهی و طبیعی است که در ادب پایداری در مفاهیم آزادی و انقلاب و نیز شهادت مورد استفاده قرار گرفته است. شکوفه سمبل طبیعی از شهید است و ۱ بار در بیت زیر از اشعار سیمین استفاده شده است. از ریشه برید، آن دست که در باغ می‌کند شکوفه، می‌سوخست جوانه (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۵۹۱)

گل

سمبل پرکاربرد گل بیشتر در مفهوم آزادی و شهادت و حتی گاه میهن، در اشعار پایداری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این سمبل نیز، از سمبل‌های عمومی و طبیعی در مفهوم شهادت است که در آثار سیمین بهبهانی مجموعاً ۳ بار تکرار شده است. امسال فروردین، شاید توانم دید باغی که آذینش، گل‌های پرپر نیست (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۵۹۴) کنون در این باغ مرغی، که نغمه‌ای شاد بودش به خاک و خاکستر گل نکرده جز نوحه‌خوانی (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۹۷۵) به قتل عام فجیع باغ، کلام تلخم شهادتی‌ست نداده‌ام دسته گل به آب؛ به خاک اما سپرده‌ام (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۱۰۹۵)

لاله

یکی از پرکاربردترین نمادهای شعر و فرهنگ فارسی در راستای دلالت بر مفهوم مقدس شهادت، نماد لاله است. لاله به سبب رنگ قرمز یادآور خون شهیدان است و به واسطه ساقه سبز یادآور سربندهای شهادت‌طلبی آنان. همچنین رستندگی لاله بازگوی جوانان غیور این مرز و بوم است که با خون دل پرورش یافتند و در آن حماسه دلیرانه جان بر کف دست گرفتند و مثل گلی که یک آن بر باد رود یا پیده شود، به شهادت رسیدند. از سوی دیگر داغ لاله چنانچه پیشتر ذیل نماد داغ گفته شد، یادآور داغی است که در از دست رفتن این شهدا بر دل‌های ما نقش بسته است. روی هم رفته نماد لاله سمبل عمومی و طبیعی از شهداست که ۵ بار در اشعار سیمین به کار رفته است. بس که بر صحرا ز ابر تیره می‌بارد تگرگ بر چراغ لاله‌ها، دیگر حبابی نیست نیست (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۴۳۱) خوشه‌ی انگوری از آسیب دستی در گریز چون چراغ لاله، بر طاق مزار آویخته (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۴۳۷)

کنکاش سرخ لاله‌ها را، در خلوت خاموش صحرا دیدم که دارد داستان‌ها، از چاره‌جویی‌های یاران (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۴۷۸)

کتاب‌ها -باغ تذهیب- ز اشک و خون، آب خورده به روی هر لاله برگش، نوشته صد ماجرا، آه! (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۲۹)

چون سال پایان پذیرد، آیا مزار شهیدان از داغ هد برفروزد بی لاله‌ها لاله زاری؟ (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۸۷۲)

سوسن و ارغوان

سوسن و ارغوان نیز از دیگر نمادهای گیاهی و عمومی در مفهوم شهادت هستند. این دو نماد هر کدام ۱ بار توسط سیمین استفاده شده‌اند. این سمبل‌ها نیز از نوع سمبل‌های تشبیهی محسوب می‌شوند. وه چه باغ است این؟ درد و داغ است این: سوسنش خونین، ارغوانش نیز (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۵۹۷)

سرو

سرو هم از پرکاربردترین نمادهای گیاهی و طبیعی شعر پایداری است. این نماد نیز به مفاهیم آزادی و میهن و شهادت دلالت دارد. نماد سرو که سمبل عمومی و طبیعی از شهید است ۱ بار در بیت زیر سیمین به کار رفته است. گر خون هزاران سرو، در پای خطر پاشیده‌ست خوشدستی سرو آرایان، پرداخته تاوانت را (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۹۸۴)

پروانه

یکی از نمادهای جانوری ادبیات پایداری نماد پروانه است. پروانه سمبل طبیعی و توسیعی است که در مفهوم آزادی اغلب مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما این نماد ۱ بار در بیت زیر در اشعار سیمین در مفهوم شهادت نیز استفاده شده است.

زان همه حجله‌ی مرگ، کوچه‌هاشان چراغان بال پروانه‌هاشان، عکسی از نوجوان‌ها (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۷۲۱)

مرجان

مرجان نیز سمبل طبیعی از شهادت است و فقط همین ۱ بار توسط سیمین استفاده شده است. چه خون و چه خونی! رسالت جاری به سرخیِ مرجان، روانه چو رود است (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۳۲)

اعضای بدن

در شعر معاصر گاه بر اساس علاقه جزء و کل، بعضی از اعضای بدن مجازاً به عنوان سمبل شهید به کار رفته‌اند. اعضایی مانند سر و دست در فرهنگ ایرانی اسلامی به سبب دلالت بر نحوه شهادت امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع)، اغلب نماد ایثار و شهادت قرار می‌گیرند و چه سر و دست‌هایی که در دوران ۸ ساله دفاع مقدس نیز در راستای همان آرمان‌ها بر خاک افتاد. سیمین ۲ بار از سر (کله)، ۱ بار از چشم، و ۱ بار از دست به عنوان سمبل

طبیعی از مفهوم شهادت بهره برده است.

هر کتاب کهنه گویدت، کز تطاول ستمگران
تل کله‌ها و چشم‌ها، کم نبوده در مقال ما (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۷۰۹)

وطن! چه سرها به خاک فتاد تا کار تو ز سر به سامان رسید، ز نو به بنیاد شد (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۷۱۴)
به عرش، دست و انگشتر، جدا ز تن فرستادم پیام کی فرستد کس، چنین که من فرستادم (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۱۱۰۸)
نماد دل نیز که از دیگر اعضای بدن است، از ابداعات سیمین در مفهوم شهید است. این سمبل طبیعی و تأسیسی نیز ۲ بار در اشعار او تکرار شده است.

هاهی، هاهی، مگشا ره! شد خاموش این دل، خاموش از این پایان پیغامی، تا آن بی پایان باید (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۷۳۴)

به عرش، غنچه‌یی خونین، بریده رگ ازو گلچین خدا نگاه کن چونین، دل وطن فرستادم! (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۱۱۰۸)

نوجوان و جوان

سیمین در راستای تبیین مفاهیمی چون جنگ و شهادت دست به ابداع نمادهایی هم می‌زند. او با تکیه بر جامعه آماری شهدا و رزمندگان دفاع مقدس، نماد جوان و نوجوان را که سمبل‌های تأسیسی و طبیعی از شهیدانند به وجود می‌آورد که ۳ بار در موارد زیر توسط او تکرار شده‌اند.

زان همه حجله‌ی مرگ، کوچه‌هاشان چراغان بال پروانه‌هاشان، عکسی از نوجوان‌ها (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۷۲۱)
ما چه کردیم، باری، ناله‌یی، شکوه واری شد وطن زنده اما، زان جوان‌ها و جان‌ها (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۷۲۲)
ابلیسی دست گشاد، انسانی رفت ز دست وای از فرزند جوان! صد وای از مادر پیر! (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۱۰۸۷)

سهراب

سهراب از اسطوره‌های شاهنامه است که به سبب داستان قتل تراژیک اش به دست پدر خود، در نزد شاعران و ادیبان معاصر به عنوان نماد بیگناهی و همچنین شهادت مورد استفاده قرار گرفته است. سهراب سمبلی فرهنگی و عمومی از شهید است. این سمبل ۱ بار توسط سیمین به کار رفته است.

نادیده به سهراب رسید، وز کشتن او باک نداشت خون خورده و پرورده پسر، آنک، پدری باید و نیست (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۲۸)

تختی

تختی نیز از ابداعات سیمین و سمبل مصنوعی از شهادت است. دلاورمردی‌ها، جوانمردی‌ها و از خود گذشتگی‌های این پهلوان ایرانی دوران معاصر از یک سو، و شاید جریان پرابهام مرگ یا ترور او از سوی دیگر، باعث شده است تا سیمین از او به عنوان نماد ایثار و شهادت بهره بیاورد. این سمبل تأسیسی ۱ بار در نمونه زیر از اشعار سیمین مورد

استفاده قرار گرفته است.

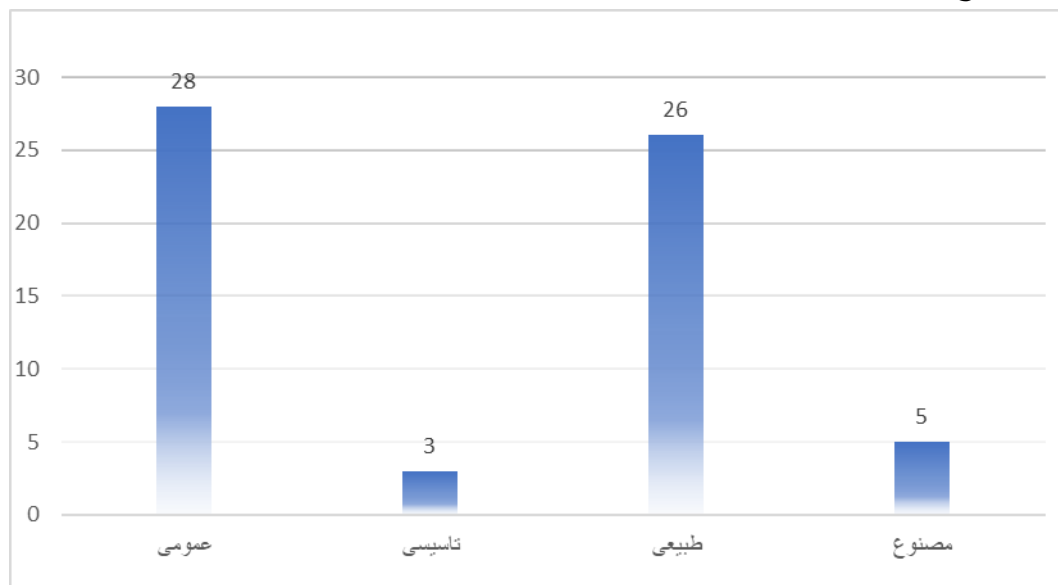
جدول ۱. جدول بسامد سمبل‌های جنگ و شهادت در اشعار سیمین بهبهانی

ردیف	سمبل	بسامد	نوع سمبل
۱	خون	۳۱ بار	عمومی، طبیعی
۲	کفن	۱ بار	عمومی، مصنوع
۳	داغ	۲ بار	عمومی، طبیعی
۴	خورشید	۱ بار	"
۵	ستاره	۱ بار	"
۶	اختر	۱ بار	"
۷	شراره	۱ بار	"
۸	آتش	۸ بار	"
۹	خاکستر	۱ بار	"
۱۰	دوزخ	۲ بار	"
۱۱	خدنگ	۱ بار	عمومی، مصنوع
۱۲	باد	۱ بار	عمومی، طبیعی
۱۳	سیل	۲ بار	"
۱۴	رود	۱ بار	عمومی، مصنوع
۱۵	خروش	۱ بار	عمومی، طبیعی
۱۶	غنچه	۲ بار	"
۱۷	شکوفه	۱ بار	"
۱۸	گل	۳ بار	"
۱۹	لاله	۵ بار	"
۲۰	سوسن	۱ بار	"
۲۱	ارغوان	۱ بار	"
۲۲	پروانه	۱ بار	"
۲۳	مرجان	۱ بار	"
۲۴	سرو	۱ بار	"
۲۵	سر	۲ بار	"
۲۶	چشم	۱ بار	"
۲۷	دست	۱ بار	"
۲۸	دل	۲ بار	تأسیسی، طبیعی
۲۹	جوان و نوجوان	۳ بار	"
۳۰	سهراب	۱ بار	عمومی، مصنوع
۳۱	تختی	۱ بار	تأسیسی، مصنوع
	بسامد مجموع سمبل‌ها	۸۲ بار	

ای تختیان برخیزید، با روح تختی همدل وقتی هزاران کودک، در خون خود پرپر زد! (بهبهانی، ۱۳۹۹: ۱۰۳۵)

بررسی سمبل‌های جنگ و شهادت در اشعار سیمین بهبهانی نشان می‌دهد که او مجموعاً ۸۲ بار از ۳۱ سمبل مختلف

در راستای این مقوله بهره می‌برد و پرکاربردترین آن‌ها سمبل خون است که ۳۱ بار توسط سیمین تکرار شده است (مطابق جدول ۱). همچنین از نظر نوع سمبل، سمبل‌های عمومی و طبیعی، به ترتیب با بسامد ۲۸ و ۲۶ پرکاربردترین نوع سمبل‌های جنگ و شهادت در اشعار سیمین هستند (مطابق شکل ۱).



شکل ۱. نمودار بسامد انواع سمبل‌های جنگ و شهادت در اشعار سیمین بهبهانی

۳. نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیش‌تر در ذیل هربخش از مقاله‌ی حاضر گفته شد، بررسی و تدقیق به عمل آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که سیمین بهبهانی از ۳۱ نماد گوناگون، ۸۲ مرتبه در راستای تبیین مفهوم جنگ و شهادت بهره می‌یابد. پس نخست؛ باید شاعر را در زمره‌ی شاعرانی نمادگرا و اجتماعی بدانیم که با چنین بسامد چشم‌گیری با مفهوم جنگ (اختصاصاً پدیده دفاع مقدس) و شهادت مواجه شده‌اند. پرکاربردترین نماد به کاررفته در مفهوم جنگ و شهادت در اشعار سیمین بهبهانی، نماد خون است. سیمین ۳۱ مرتبه از این نماد در راستای تبیین مفهوم مذکور بهره یافته‌است. نماد خون نه تنها در شعر این شاعر، بلکه در شعر معاصر، شاید پرسامدترین نماد مورد استفاده در مفهوم جنگ و شهادت باشد. نماد آتش با بسامد ۸ مرتبه تکرار در مفهوم جنگ و نماد لاله با بسامد ۵ بار تکرار در مفهوم شهید از دیگر نمادهای پرکاربرد سیمین در راستای تبیین مفاهیم جنگ و شهادت و دفاع مقدس‌اند. همچنین کم‌کاربردترین نمادهای سیمین در این مفاهیم را باید نمادهایی چون: کفن، خورشید، باد، تختی، سهراب و... با آمار فقط یک‌بار استفاده و استعمال دانست. از جهت دیگر از نظر نوع نمادهای استفاده شده، نمادهای عمومی و طبیعی به ترتیب با بسامد ۲۸ و ۲۶ مرتبه تکرار در اشعار سیمین بهبهانی پرکاربردترین نوع نمادهای استفاده شده این شاعر از نظر پیشینه و منشأ، در راستای دلالت بر مفهوم جنگ و شهادت می‌باشند.

منابع

۱. ابراهیم تبار، ابراهیم، (۱۳۹۶)، «تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در شعر سیمین بهبهانی». نشریه

۱. ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. س ۹. ش ۱۶. صص ۲۰-۲.
۲. برادسکی، جوزف، (۱۳۷۳)، شعر شکلی از مقاومت در برابر واقعیت، ترجمه شهلا شاهسوندی، مجله شعر، سال دوم، ش ۱۴.
۳. بصیری، محمدصادق، (۱۳۸۸)، سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی، از آغاز تا عصر پهلوی، کرمان، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۴. بصیری، محمدصادق؛ (۱۳۸۷)، طرح و توضیح چند سؤال درباره مبانی ادبیات پایداری، نامه پایداری (مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری دانشگاه کرمان)، تهران، انتشارات.
۵. بهبهانی، سیمین، (۱۳۹۹)، مجموعه اشعار، تهران، نگاه.
۶. پورنامداریان، تقی، (۱۳۶۷)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران، علمی فرهنگی.
۷. جهانگرد، فرانک، (۱۳۹۵)، تحلیل سیر تکوینی تعاریف ادبیات پایداری در ایران، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال هشتم، ش ۱۴.
۸. جدویک، چارلز، (۱۳۷۵)، سمبولیسم؛ ترجمه مهدی سحابی، تهران، مرکز.
۹. چهرقانی، رضا، (۱۳۹۶)، ادبیات پایداری در ایران، بازنشانی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها، نشریه ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، ش ۲، صص ۱-۳۳.
۱۰. حدادی طاقانکی، نادعلی، (۱۳۸۸)، «بررسی جلوه‌های دفاع مقدس در ادبیات کودک و نوجوان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهرکرد.
۱۱. داودی، شکیب، صفری، جهانگیر، فروزنده، مسعود، (۱۴۰۳)، بررسی نمادهای گیاهی و جانوری در اشعار سیمین بهبهانی، مطالعات ادبیات معاصر ایران، دوره ۱، ش ۳، صص ۲۳-۵۷.
۱۲. داودی، شکیب، صفری، جهانگیر، فروزنده، مسعود، (۱۴۰۳)، تحلیل نمادهای میهن در اشعار حسین منزوی از منظر تاریخ‌گرایی نوین، جریان‌شناسی شعر و داستان ادبیات معاصر ایران، دوره ۲، ش ۳، صص ۳۵-۶۲.
۱۳. داودی، شکیب، صفری، جهانگیر، فروزنده، مسعود، (۱۴۰۳)، جلوه‌ی نمادین ظلم و خفقان در اشعار هوشنگ ابتهاج، ادبیات پایداری، دوره ۱۶، ش ۳۰، صص ۱۴۱-۱۶۶.
۱۴. داودی، شکیب، صفری، جهانگیر، فروزنده، مسعود، (۱۴۰۳)، معناشناسی و تحلیل مفهوم «عشق» به مثابه‌ی «آزادی» در اشعار حسین منزوی، پژوهش‌های معناشناختی متون ادبی، دوره ۲، ش ۴، صص ۸۰-۱۰۰.
۱۵. داودی، شکیب، صفری، جهانگیر، فروزنده، مسعود، (۱۴۰۳)، پیشنهادی بر دسته‌بندی انواع سمبل، فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی، دوره ۱۵، ش ۶۰، صص ۷۵-۱۱۰.
۱۶. رستگارفسایی، منصور، (۱۳۷۲)، انواع شعر فارسی، شیراز، انتشارات نوید.
۱۷. سنگری، محمدرضا، (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. تهران، پالیزان.
۱۸. شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱)، بیان، تهران، فردوس.
۱۹. صفری، جهانگیر/ظاهری عبدوند، ابراهیم، (۱۳۹۴)، بررسی نماد در دیوان ناصر خسرو، دو فصلنامه علوم ادبی،

سال ۴، شماره ۷.

۲۰. علامی، ذوالفقار/ یگانه، سپیده، (۱۳۹۳)، نمادپردازی‌های حماسی در غزل نئوکلاسیک (با تکیه بر غزلیات سیمین بهبهانی، حسین منزوی و محمدعلی بهمنی)، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۳، ش ۱.
۲۱. قاسمی، حسن، (۱۳۸۳). صورخیال در شعر مقاومت. تهران، فرهنگ گستر.
۲۲. قبادی، حسین علی، (۱۳۸۸). آیین آینه. چاپ دوم. تهران، مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
۲۳. قلی‌پوری، لیلا/ مشفق، آرش/ عزیزاده، ناصر، (۱۴۰۰)، بررسی سیر تحول مؤلفه‌های اجتماعی-سیاسی شعر معاصر از مشروطه تا معاصر، نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، دوره ۱۴، ش ۶۲، صص ۱۸۱-۱۹۵.
۲۴. کافی، غلامرضا، (۱۴۰۰)، پیشنهادی برای رج‌بندی گروه-مؤلفه‌های ادبیات پایداری، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال سیزدهم، ش ۲۴.
۲۵. محمدیان، علی، (۱۳۸۸). «بررسی و تحلیل موضوع شهید و شهادت در شعر کودک و نوجوان دهه هفتاد و هشتاد». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور.
۲۶. محمدیان، علی، (۱۳۸۹). کتاب سیزدهم (مجموعه مقالات سیزدهمین جشنواره کتاب سال دفاع مقدس). تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۲۷. مرتضی‌زاده‌طوری، زهره/پارسایی، حسین/ جهانیان، سوزان، (۱۴۰۱)، بازتاب سبک سمبولیسم اجتماعی سیاسی در شعر شاعران دهه چهل و تندیس‌ها و نمادهای خانه‌ی مشروطه تبریز، نشریه مطالعات هنر اسلامی، دوره ۱۹، ش ۴۵، صص ۵۸۱-۵۹۵.
۲۸. میرصادقی، جمال/ میرصادقی، میمنت، (۱۳۷۷)، واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، تهران، کتاب مهناز.
۲۹. میرصادقی، میمنت، (۱۳۷۶)، واژه‌نامه هنر شاعری، تهران، کتاب مهناز.
۳۰. الیاده، میرچا، (۱۳۹۲)، نمادپردازی، امر قدسی و هنرها، ترجمه‌مانی صالحی علامه، تهران، نیلوفر.

